

## بررسی و تحلیل حقوقی عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مسئله فعالیت‌های هسته‌ای ایران

نویسنده: بداله عسگری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۲/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۵/۴/۲۵

صفحات مقاله: ۳۵-۵۴

### چکیده

بیش از سه سال است که موضوع فعالیت هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطرح است. طی این مدت مراکز هسته‌ای ایران بارها از سوی کارشناسان و دبیرکل آژانس مورد بازدید قرار گرفته و حدود ده قطعنامه<sup>۲</sup> از سوی شورای حکام این سازمان بین‌المللی در مورد مسئله‌ی هسته‌ای ایران صادر گردیده است. اما طولانی شدن زمان و مفتوح ماندن پرونده ایران در شورای حکام، نحوه برخورد با موضوع، محتوای گزارش‌ها و مصاحبه‌های دبیرکل و مفاد قطعنامه‌های صادر شده، همگی بر این واقعیت دلالت دارد که مؤلفه‌های سیاسی بیش از مبانی حقوقی در جریان این پرونده دخالت داشته و همین امر سبب آینده‌ای مبهم و غیرقابل پیش‌بینی برای آن شده است. نگاه تبعیض‌آمیز، اجبار سیاسی برای امضای پروتکل الحاقی، درخواست اجرای مفاد پروتکل قبل از لازم‌الاجرا شدن آن نسبت به دولت ایران، اصرار بیش از حد برای صرف‌نظر کردن از برخورداری از دانش هسته‌ای و چرخه سوخت، متهم کردن تکراری ایران به پنهان‌کاری و تلاش برای دسترسی به سلاح هسته‌ای، جریانات سیاسی و بده‌بستانهای درونی بین اعضای شورای حکام و به‌طور کلی اتخاذ تصمیم در راستای منافع چند کشور خاص از مهمترین نشانه‌های دخالت عناصر سیاسی در پرونده هسته‌ای ایران می‌باشد.

\* \* \* \* \*

### کلید واژگان

شورای حکام، آژانس انرژی هسته‌ای، قطعنامه، فعالیت هسته‌ای.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع).

E-mail: Yasgri@hotmail.com

۲. این تعداد قطعنامه تا تاریخ ۴ فوریه ۲۰۰۶ صادر شده است.

## مقدمه

سازمانهای بین‌المللی حاصل "تعامل" بین "حقوق" و "سیاست" اند. به این معنی که، با پیدایش "منافع مشترک" و درک کشورها نسبت به اهمیت این منافع و رجحان آن نسبت به "منافع ملی"، زمینه تعدیل حاکمیت مطلق و گرایش به سمت ایجاد نهادهای بین‌المللی و پذیرش حاکمیت قواعد و نرمهای جامعه جهانی فراهم شد. با اینکه مبنای وجودی سازمانهای بین‌المللی تحقق منافع مشترک می‌باشد، ولی در مواردی عملکرد این سازمانها نشان می‌دهد که از هدف اصلی خود دور شده و گاهی خارج از چارچوبهای حقوقی، در جهت منافع ملی یک کشور خاص حرکت کرده‌اند. این جریان حاکی از وجود نوعی "تقابل" بین "حقوق" و "سیاست" و استفاده ابزاری از سازمانهای بین‌المللی است.

از زمان طرح مسئله فعالیت‌های هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (آژانس)<sup>۱</sup> و قطعنامه‌هایی که از سوی این شورا صادر شده است، در میان مردم و همچنین محافل علمی و دانشگاهی و رسانه‌ای، این‌گونه مطرح می‌شود که رفتار و عملکرد این سازمان نسبت به موضوع هسته‌ای ایران رفتاری سیاسی است و کمتر از مؤلفه‌های حقوقی برخوردار است. مطالعه و تحلیل حقوقی عملکرد "آژانس بین‌المللی انرژی اتمی" در مسئله فعالیت‌های هسته‌ای ایران به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا این سازمان بین‌المللی به مؤلفه‌های حقوقی و در جهت تحقق اهداف مشترک و مبنای وجودی خود اهتمام ورزیده، یا همان‌گونه که در محافل مطرح می‌شود، به مثابه ابزار و اهرم فشاری در دست برخی کشورها قرار گرفته و در راستای منافع ملی آنها گام برداشته است؟

در این مقاله، پس از بیان مختصری از تاریخچه فعالیت‌های هسته‌ای ایران و اهداف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و معاهده ان.پی.تی، رفتار و عملکرد "آژانس" در ارتباط با فعالیت هسته‌ای ایران طی سالهای ۲۰۰۳ تا ژوئن ۲۰۰۶ میلادی، از نظر حقوقی بررسی می‌شود.

## ۱. تاریخچه فعالیت‌های هسته‌ای ایران قبل از انقلاب

فعالیت‌های هسته‌ای ایران، با ایجاد مراکز اتمی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵ هجری شمسی شروع شده و تاکنون مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. در سال ۱۳۴۰ در زمینی به مساحت ۲۸ هکتار در شمال آن روز تهران، کلنگ احداث این مرکز به زمین زده شد. ایران و آمریکا برای نخستین بار در سال ۱۹۶۷ میلادی (برابر با ۱۳۴۶ شمسی) موافقتنامه همکاری هسته‌ای امضا کردند. در همان سال یک راکتور ۵ مگاواتی آموزشی و تحقیقاتی که توسط آمریکا به ایران تحویل داده شده بود، در مرکز اتمی دانشگاه تهران راه‌اندازی شد. بنابراین، از نظر تاریخی آمریکا اولین کشوری بود که به دلیل اشتراک سیاسی و همسویی با رژیم پهلوی، ایران را در مسیر برنامه هسته‌ای همراهی نمود.

در تاریخ ۱۳۵۳/۴/۱۶، با تصویب قانون سازمان انرژی اتمی، سازمانی مستقل و تخصصی در زمینه انرژی اتمی در ایران تأسیس شد. به موجب ماده ۱۸ این قانون، مرکز اتمی دانشگاه تهران با تمام امکانات و تجهیزات و نیروی انسانی (به استثنای اعضای هیأت علمی) به سازمان انرژی اتمی ایران منتقل شد.

در دهه ۱۳۵۰، رژیم گذشته برای احداث نیروگاه هسته‌ای به منظور تولید برق با کشورهای مختلف از جمله فرانسه (۱۹۷۷)، آلمان غربی (۱۹۷۶)، و آمریکا (۱۹۷۴) وارد مذاکره شد. قانون موافقتنامه همکاری برای استفاده صلح‌جویانه از انرژی اتمی بین دولت ایران و دولت کانادا مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۲۶ و قانون موافقتنامه همکاری برای استفاده صلح‌جویانه از نیروی اتمی بین دولت ایران و دولت جمهوری فرانسه مصوب ۱۳۵۴/۲/۱ و قانون موافقتنامه همکاری در زمینه استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای بین سازمان انرژی اتمی ایران و وزارت پژوهش و تکنولوژی جمهوری فدرال آلمان مصوب ۲۵۳۶/۵/۱۲ (۱۳۵۶)، نمونه‌هایی از تلاش قانونگذار آن دوران در بستر دانش هسته‌ای و گرایش دولت

موقت ایران به استفاده از تجربیات و تکنولوژی سایر کشورها به منظور استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است.

در سال ۱۳۵۳ آلمان غربی، بر اساس قراردادی که با سازمان انرژی اتمی ایران منعقد کرده بود، موظف شد دو راکتور ۱۲۰۰ مگاواتی را در بوشهر نصب نماید. از سوی دیگر فرانسوی‌ها نیز در سال ۱۳۵۶، متعهد شدند دو نیروگاه هسته‌ای با ظرفیت ۹۰۰ مگاوات در دارخوین تأسیس کنند. با پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به شرایط انقلابی کشور، روند هسته‌ای شدن ایران متوقف شد.<sup>۱</sup> فعالیت‌های هسته‌ای ایران که عمدتاً مربوط به دو نیروگاه در حال ساخت توسط آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها بود، تا سال ۱۳۶۴ معلق گردید. البته در این زمان این تأسیسات به کرات هدف حملات هوایی رژیم بعثی عراق قرار گرفت و در چنین شرایطی شرکت‌های غربی نیز حاضر به ادامه کار نبودند.

#### بعد از انقلاب

پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۸ و بعد از آنکه آلمانی‌ها از ادامه همکاری با ایران در تکمیل نیروگاه هسته‌ای انصراف دادند، جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به فناوری چرخه سوخت هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم با کشورهای مختلفی از جمله: روسیه، چین، آرژانتین، کانادا، اتریش، مولداوی، اوکراین، کره‌ی شمالی، اسپانیا، جمهوری چک، آفریقای جنوبی، پاکستان و لهستان وارد گفتگو و رایزنی شد. انصراف آلمان و عدم قبول سایر دول غربی در همکاری با ایران باعث شد، جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ رایزنی با روس‌ها را با جدیت بیشتری پی‌گیری نماید. این مذاکرات در سال ۱۳۷۳ منجر به انعقاد قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاری با روسیه برای تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر شد.

۱. لایحه قانونی دادر بر تأیید عمل دولت در مورد توقف عملیات ساختمانی نیروگاههای اتمی بوشهر و اهواز مصوب ۱۳۵۹/۵/۲۶ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران.

تلاش و رقابت اغلب کشورها از جمله ایران در جهت گسترش دانش هسته‌ای و جایگزین کردن انرژی تجدیدپذیر به جای انرژی فسیلی از یک سو و تحریم دولت آمریکا بر ضد ایران و عدم همکاری سایر کشورها، انگیزه‌ای شد تا مسئولین کشور و فرزندان دانشگاهی این مرز و بوم برای هسته‌ای شدن ایران گام جدی‌تری بردارند. حاصل فعالیت‌های ایران از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۶ این بود که توانست معدن اورانیوم ساغند یزد را کشف و استخراج نماید و کارخانه‌ای برای تولید "کیک زرد" در اردکان تأسیس کند. همچنین ایران توانست راکتور نوترونی مینیاتوری و راکتور آب سنگین نیروی صفر را در مرکز تکنولوژی هسته‌ای اصفهان راه‌اندازی نموده و دانش طراحی ماشینهای سانتریفیوژ را به دست آورد. در اواخر سال ۱۳۷۶ ایران تصمیم گرفت علاوه بر پروژه نیروگاه بوشهر، شش واحد نیروگاه هسته‌ای دیگر را نیز راه‌اندازی کند و در عین حال سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای را نیز خود تأمین نماید. به این منظور از سال ۱۳۷۷ ایران موفق شد علی‌رغم عدم همکاری چینی‌ها، پروژه UCF اصفهان را توسط مهندسان ایرانی طراحی و اجرا نماید. به موازات آن تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در نطنز نیز شروع شد. مهمتر از اینها، موفقیت دانشمندان ایرانی در ساخت دستگاههای سانتریفیوژ یا گریز از مرکز است که از این دستگاه برای غنی‌سازی اورانیوم استفاده می‌شود. همچنین دسترسی به فناوری غنی‌سازی از طریق لیزر در مقیاس آزمایشگاهی از دیگر دستاوردهای دانشمندان ایرانی است که در منطقه لشکرآباد کرج به نتیجه رسید. در واقع در این سالها پروژه UCF اصفهان و نطنز به بهره‌برداری رسید. دستیابی به UCF یکی از موفقیت‌های بسیار قابل توجه است. زیرا این ماده، کلید اصلی غنی‌سازی است که دانشمندان هسته‌ای کشورمان این پروژه را در خرداد سال ۱۳۸۳ به انجام رساندند. به موازات چنین دستاوردهایی، دانشمندان هسته‌ای در اراک موفق شدند برای اولین بار آب سنگین را تولید و سه فاز مهم این کارخانه را راه‌اندازی کنند.

## ۲. نظام بین‌المللی انرژی اتمی

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در سال ۱۹۵۷ میلادی در پاسخ به واکنش توأم با خوف و رجای جامعه جهانی ناشی از کشف انرژی هسته‌ای، به منظور توسعه همکاری‌های بین‌المللی در استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی و جلوگیری از انحراف کشورها به سمت کاربرد اتم در مقاصد نظامی تشکیل شد. کاربرد دوگانه انرژی هسته‌ای، موجب ترس و وحشت از به‌کارگیری آن در مقاصد نظامی از یک سو و امید به ترقی و پیشرفت ناشی از استفاده صلح‌آمیز از آن از سوی دیگر گردید. استفاده از سلاح اتمی در بمباران شهرهای هیروشیما<sup>۱</sup> و ناگازاکی<sup>۲</sup>، توسط بمب‌افکن‌های نیروی هوایی آمریکا به‌شدت بر اضطراب و نگرانی جامعه بین‌المللی افزود. با بمباران این دو شهر در روزهای واپسین جنگ جهانی دوم، جو بدبینی نسبت به آمریکا افزایش یافت و این کشور شدیداً تحت فشار افکار عمومی قرار گرفت.

آیزنهاور<sup>۳</sup> رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۵۳، برای خروج از فشار افکار عمومی و کاهش بدبینی جهانی، در مجمع عمومی ملل متحد، پیشنهاد اتم برای صلح<sup>۴</sup> را مطرح کرد تا ژست صلح‌جویانه کشورش را برای جهانیان نمایش دهد. بعدها همین پیشنهاد مبنایی برای تشکیل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد.

اساسنامه آژانس در تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۵۶ در کنفرانسی که به همین منظور در مقر سازمان ملل متحد تشکیل شده بود به تصویب رسید و با ارائه هجدهمین سند تصویب که برای لازم‌الاجرا شدن آن لازم بود، این سازمان تخصصی در تاریخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۷ رسمیت یافت.

یازده سال بعد از آغاز به کار آژانس، در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۶۸، معاهده منع

1. Hiroshima  
2. Nagasaki  
3. Dwight David Eisenhower  
4. Atoms for Peace

گسترش سلاحهای هسته‌ای<sup>۱</sup> برای امضای کشورها مفتوح شد. این معاهده علی‌رغم نام آن، معاهده‌ای نه برای منع گسترش، بلکه فقط محدودکننده تکثیر عرضی سلاحهای هسته‌ای است. به موجب مفاد این پیمان، فقط کشورهای فاقد توان هسته‌ای، از هرگونه تولید و تکثیر سلاحهای هسته‌ای ممنوع شده‌اند و هیچ‌گونه محدودیتی، برای کشورهای برخوردار در توسعه و تکثیر سلاح هسته‌ای ایجاد نکرده است.

در قاموس معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، اصطلاح کشور برخوردار یا "دولت مجهز به سلاحهای هسته‌ای" به دولتی اطلاق می‌شود که تا قبل از اول ژانویه ۱۹۶۷ یک سلاح هسته‌ای یا وسیله انفجاری هسته‌ای ساخته و منفجر کرده باشد. در اساسنامه آژانس و پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، جایگاه و نقش ویژه‌ای برای کشورهای برخوردار از فناوری هسته‌ای دیده شده است.

غیر از بحث لازم‌الاجرا شدن اساسنامه که بعد از تسلیم سند به شور و تصویب توسط هیجده کشور که سه کشور از بین این کشورها باید کشور کانادا، فرانسه، انگلستان، شوروی (سابق) و آمریکا باشد، محقق می‌شود، و به موجب ماده ۶ اساسنامه که بعد از تصویب معاهده منع گسترش اصلاح شد، امتیاز خاصی برای کشورهای دارای تکنولوژی هسته‌ای جهت عضویت در شورای حکام پیش‌بینی گردید. به‌گونه‌ای که برخی کشورهای غالباً در شورای حکام عضویت دارند.

#### اهداف آژانس و معاهده ان.پی.تی

عضویت در هر سازمان بین‌المللی، به منزله تحدید حاکمیت کشورها و پذیرش شرایطی است که آن سازمان ایجاد می‌کند. آنچه توجیه‌کننده اقدام دولتها در ایجاد و عضویت در سازمانهای بین‌المللی است، پیدایش و ظهور منافع مشترکی است که تحقق و رسیدن به آن، معمولاً در روابط دو یا چندجانبه و در روشهای ستی "نظام

1. Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons or Nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT).

ارتباطات" (کلبار، ۱۳۶۸، ۱۵) امکان‌پذیر نیست. هر کشوری از جمله ایران، با در نظر گرفتن هدف اساسی آژانس و معاهده ان.پ.تی به آن ملحق شده و تعهد بین‌المللی را پذیرفته است. رسیدن به منافع مشترک، مبنای وجودی هر سازمان بین‌المللی است، ولی اینکه در عمل منافع مشترک مبنای رفتار سازمانهای بین‌المللی باشد یا نه، به عملکرد آن سازمان و درجه نفوذ و اثرگذاری برخی کشورها در این سازمانها بستگی دارد. بی‌توجهی به این اهداف، فلسفه عضویت در این نهاد بین‌المللی را از بین می‌برد و شک و تردید باقی بودن یا خارج شده از آن را در اذهان تقویت می‌کند.

از ماده دوم اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین از مواد ۱ تا ۵ معاهده ان.پ.تی. استفاده می‌شود که آژانس و معاهده مذکور برای تحقق دو هدف اصلی بنیان گذاشته شده‌اند. این دو هدف عبارت است از: ۱- هدف ارتقایی؛ ۲- هدف بازدارندگی.

#### هدف ارتقایی

اولین هدف آژانس، "تسریع"<sup>۱</sup> و "توسعه"<sup>۲</sup> سهم انرژی در سراسر جهان است که از آن به عنوان "هدف ارتقایی" یاد می‌کنیم. بسیاری از وظایف آژانس که در ماده سوم آمده، برای تحقق این هدف طراحی شده است. به موجب ماده سوم، آژانس از طریق مبادله اطلاعات، دانشمندان، واسطه‌گری مبادله مواد و تجهیزات و ارائه خدمات، تحقیق و توسعه دانش هسته‌ای و استفاده عملی از آن را برای مقاصد غیرنظامی در سراسر جهان تشویق و مساعدت می‌نماید.

#### هدف بازدارندگی

آژانس باید با اقدامات نظارتی حتی‌الامکان اطمینان حاصل کند که مساعدتهای داده شده، برای پیشرفت هیچ منظور نظامی مورد استفاده قرار نگیرد. جهت حصول

1. Accelerate  
2. Enlarge



اطمینان بر این که مواد شکافت‌پذیر<sup>۱</sup> و سایر مواد و خدمات و تجهیزات و تأسیسات و اطلاعاتی که به وسیله آژانس یا طبق تقاضای آن و یا تحت سرپرستی و نظارت آن تدارک شده در پیشرفت هیچ منظور نظامی مورد استفاده قرار نگیرد، آژانس باید تدابیر احتیاطی اتخاذ و اجرا کند. بازداشتن کشورها از انحراف در جهت به‌کارگیری ماده‌هسته‌ای در مقاصد نظامی، از اهداف مهم دیگر آژانس به‌شمار می‌آید.

### وظایف آژانس

نظارت و بازرسی بر فعالیتهای هسته‌ای کشورها، مساعدت به کشورها برای گسترش و ارتقای ضریب ایمنی و کاهش خطرات هسته‌ای و نشان دادن عکس‌العمل مناسب در موارد اضطراری و توسعه و ترویج دانش و استفاده صلح‌آمیز هسته‌ای، سه وظیفه اصلی آژانس محسوب می‌شود. بنابراین، کار آژانس عمدتاً راجع به مسائل فنی و تخصصی است. اما تحقق دو هدف اصلی که بیان شد، در پرتو فعالیتهای فنی و تخصصی آژانس و در چارچوب مقررات بین‌المللی و رعایت حقوق و تکالیف متقابلی که در اساسنامه آژانس و معاهده ان.پی.تی. پیش‌بینی شده است، امکان‌پذیر می‌باشد.

کاری که کارشناسان آژانس در بررسی و نظارت بر فعالیتهای هسته‌ای کشورها انجام می‌دهند، نوعاً کاری فنی و تخصصی است. همین‌طور تصمیماتی که ارکان آژانس، از جمله شورای حکام، اتخاذ می‌کند نیز باید مبتنی بر همین رویکرد فنی و تخصصی باشد؛ اما این تصمیمات می‌تواند از یک سو آثار و تبعات حقوقی برای آژانس و کشورها داشته باشد، از سوی دیگر از طریق انطباق این تصمیمات با چارچوبهای پیش‌بینی شده در اساسنامه و معاهده ان.پی.تی، می‌تواند بیانگر رفتار و عملکرد حقوقی آژانس ارزیابی گردد. اگر تصمیمات و تلاشهای فنی و تخصصی آژانس در چارچوب مقررات لازم‌الاجرا باشد، عملکرد آژانس منطبق با موازین شناخته شده بین‌المللی تلقی خواهد شد. در مقابل، نادیده گرفتن حقوق کشورها و

برخوردی تبعیض‌آمیز با قضایای مختلف، می‌تواند بیانگر استفاده ابزاری از این نهاد بین‌المللی در جهت منافع برخی کشورها باشد. پایبندی آژانس به اهداف بنیادین آن و توجه فنی و تخصصی به قضایا، می‌تواند نشانه‌ای از رفتار حقوقی و در مقابل انحراف از آن، دلیلی بر رفتار و عملکرد سیاسی سازمان تلقی شود.

ایران و نظام بین‌المللی فعالیت هسته‌ای

اساسنامه آژانس دو ماه قبل از رسمیت یافتن آن، در تاریخ شش خرداد ۱۳۳۶ هجری شمسی (برابر با ۲۷ می ۱۹۵۷ میلادی) از تصویب مجلس سنای ایران گذشت و با تسلیم سند تصویب در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۳۷ (برابر با ۱۶ سپتامبر ۱۹۵۸)، ایران به‌طور رسمی به عضویت آژانس درآمد.

معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، در تاریخ ۱۰ تیرماه ۱۳۴۷ برابر با اول ژوئیه ۱۹۶۸ به امضای نمایندگان مختار دولت ایران در مسکو، لندن و واشنگتن رسید و در تاریخ ۲۲ دی‌ماه ۱۳۴۸ برابر با ۱۲ ژانویه ۱۹۷۰ از تصویب قوه مقننه گذشت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، علی‌رغم اینکه با شروع جنگ تحمیلی زمینه بسیار مساعدی برای خروج از پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای وجود داشت، ایران به همکاری و عضویت در ان.پ.تی و آژانس انرژی اتمی ادامه داد. صحبتهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مقامات طراز اول مملکت در محکومیت اشاعه سلاحهای هسته‌ای و کشتار جمعی و همچنین فتوای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب مبنی بر حرمت شرعی تولید و نگهداری و استفاده از سلاح هسته‌ای<sup>۱</sup>، همگی بر این واقعیت دلالت دارد که ایران در صحنه‌ی بین‌المللی از کشورهایی است که برای جلوگیری از کاربرد نظامی از انرژی اتمی پیشگام بوده و به دنبال سیاست عدم اشاعه سلاحهای هسته‌ای است.

۱. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی در سخنرانی ۱۳۸۵/۳/۱۴ فرمودند:

«ما به کارگیری سلاح هسته‌ای را با احکام اسلامی مخالف می‌دانیم.»

### ۳. رفتار آژانس در مواجهه با فعالیتهای هسته‌ای ایران

عملکرد آژانس در قبال پرونده هسته‌ای ایران، هم از نحوه شکل‌گیری پرونده در آژانس و هم با مطالعه گزارشهای دبیرکل (که در واقع انعکاسی از گزارش بازرسان و کارشناسان آژانس می‌باشد) و تصمیمات و قطعنامه‌های صادر شده از شورای حکام به‌خصوص تبیین ماهیت و نوع تصمیماتی که از سوی شورای حکام گرفته شده و تطبیق آن با معیارهای حقوقی قابل بررسی است.

#### پرونده هسته‌ای ایران در دستورکار آژانس

از زمان عضویت ایران در آژانس و حتی قبل از امضای موافقتنامه پادمانی<sup>۱</sup>، تمامی فعالیتهای هسته‌ای ایران تحت نظارت آژانس بوده و هیچ‌گاه از نقض تعهد ایران به شورای حکام گزارش نشده است. از زمان امضای موافقتنامه پادمانی (در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۷۴) نیز این همکاری ادامه داشته و کلیه فعالیتهای مشمول مقررات تحت نظارت آژانس بوده و صلح‌آمیز بودن تأسیساتی مثل نیروگاه بوشهر و پروژه‌های دیگر و کاربرد متداول آنها در سطح بین‌المللی، هیچ‌گاه محل مناقشه نبوده است.

با این حال، دولت آمریکا همیشه در مورد فعالیتهای هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تبلیغات گسترده‌ای به راه انداخته و چنین عنوان کرده است که ایران درصدد دستیابی به سلاح هسته‌ای است. دولت ایران برای خنثی کردن این تبلیغات و اثبات بی‌اساس بودن ادعاهای دولت آمریکا در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۴، دوبار دواطلبانه از آژانس تقاضا کرد که همه تأسیسات و مواد هسته‌ای ایران را بازرسی کند. پس از پذیرش این درخواست‌ها، بازرسان آژانس همه مواد و تأسیسات هسته‌ای ایران را مورد بازرسی قرار دادند. برای مثال؛ بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در فوریه ۱۹۹۲ از یک جایگاه در منطقه معلم کلاویه، واقع در کوههای شمال غرب تهران که شایع شده بود محلی برای تحقیق مخفیانه مرتبط با سلاحهای هسته‌ای است، بازدید کردن و در همه این بازرسیها صلح‌آمیز

بودن فعالیتهای هسته‌ای ایران را تأیید کردند.

در اواسط سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱م)، مأموران اطلاعاتی آمریکا باردیگر ادعا کردند، ایران دارای برنامه و تأسیسات هسته‌ای نظامی است. در ۲۳ مردادماه ۸۱ (۱۴ اوت ۲۰۰۲)، علیرضا جعفرزاده نماینده سازمان منافقین (مجاهدین خلق) با برگزاری یک کنفرانس خبری، نتیجه جاسوسی‌های سازمان خود را با ارائه تصاویری از سایت نیروگاههای اتمی نطنز و اراک، افشا کرد و ادعا نمود جمهوری اسلامی ایران با مخفی کاری در نطنز و اراک، تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم و رآکتور آب سنگین برای مقاصد نظامی ساخته است. این در حالی است که طبق توافقنامه ایران با آژانس، در مورد ساخت تأسیسات هسته‌ای تا ۱۸۰ روز (شش ماه) قبل از تزریق مواد هسته‌ای به تأسیسات، ایران ملزم به اعلام مراتب به آژانس نیست. طبق دستورالعمل اجرایی<sup>۱</sup> بین ایران و آژانس که در سال ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شده و تا تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۰۳ معتبر بود، ایران تا ۱۸۰ روز قبل از زمان تزریق مواد هسته‌ای به تأسیسات هسته‌ای، تکلیفی نداشت که به بازرسان آژانس اجازه بازدید از تأسیسات در حال ساخت بدهد، یا مشخصات و موقعیت آنها را به آژانس گزارش کند.

از دهه ۱۹۹۰ بنابر پیشنهاد آژانس و به منظور تقویت سیستم پادمان، دستورالعمل اجرایی اصلاح شد و کشورها ملزم شدند که از لحظه طراحی، اطلاعات مورد نیاز را در اختیار آژانس و بازرسان آن قرار دهند. ولی دولت ایران تا قبل از سال ۲۰۰۳ به نظام پادمان اصلاح شده نپیوسته بود. بر این اساس، انتشار اطلاعات مذکور در ابتدا تعجب آژانس و شخص دبیرکل را برنیانگیخت و مسئله جدیدی تلقی نشد.

به دنبال انتشار اخباری از سوی گروهک منافقین مبنی بر فعالیت پنهانی ایران و نمایش عکسهای ماهواره‌ای از تأسیسات در حال ساخت نطنز و اراک در شبکه خبری CNN، آقای البرادعی در تاریخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۲ در مصاحبه‌ای با CNN، در پاسخ به این سؤال که آیا آژانس از این تأسیسات مطلع بوده و آیا ایران آن را اعلام کرده یا نه صراحتاً اعلام می‌کند: «ما کاملاً از این تأسیسات مطلع بودیم و

این خبر تازه‌ای برای ما نیست. ما هدف از این تأسیسات را درک می‌کنیم و معتقدیم که تحت کنترل دقیق و در راستای کاربردهای صلح‌جویانه قرار دارند.<sup>۱</sup> مصاحبه‌کننده بار دیگر از آقای البرادعی می‌پرسد، آیا ایران به‌طور خاص تأیید کرده است که در اراک و نظنز تأسیسات هسته‌ای در حال ساخت دارد؟ آقای البرادعی پاسخ می‌دهد: بلی، تأیید کرده است. ایران اطلاع داده است که مصمم به استفاده از انرژی هسته‌ای است و در راستای آن چند تأسیسات هسته‌ای در دست ساخت دارد.<sup>۲</sup> همچنین سخنگوی آژانس بعد از بازرسی کارشناسان در فوریه ۲۰۰۳ اعلام نمود که هیچ‌گونه انحرافی نسبت به مواد هسته‌ای ثبت شده و تحت نظارت پادمان در ایران کشف نشده است. اما فشار آمریکا و جنجال آفرینی غرب و تبلیغات فریبنده آژانسهای خبری، سبب شد پرونده فعالیتهای هسته‌ای ایران در دستورکار آژانس قرار گیرد. به دنبال آن، بازدیدهای دبیرکل از تأسیسات هسته‌ای و بازرسی کارشناسان و گزارشهایی که به شورای حکام داده شده، مبنای تصمیم‌گیری آژانس شده و اکنون با کشاندن این موضوع به شورای امنیت، به بحران هسته‌ای ایران تبدیل شده است. (مرادی، ۱۳۸۴، ۳۱۰)

#### ادعای قصور و پنهان‌کاری ایران

بنابر اظهار مقامات آژانس، عمده‌ترین مواردی که موجب اتهام مخفی‌کاری جمهوری اسلامی ایران در فعالیتهای هسته‌ای شده است، عبارتند از:

1. We have been very much aware of these two facilities, so this is not coming to us as news. ... We Understand their purpose, and they are under safeguard and dedicated fully for peaceful use.

برای مطالعه به متن کامل مصاحبه رجوع کنید:

<http://edition.cnn.com/TRANSCRIPTS/0212/13/lt.01.html>

2. ELBARADEI: Yes, They did – they did say that we are building a number of nuclear fuel cycle facilities, because we have an ambitious program to use nuclear power. I think they talked about a large number of nuclear power facilities, and they said they needed facilities to converge material into fuel, to may be enrich facility materials.

۱. عدم گزارش واردات ۱۸۱۰ کیلوگرم اورانیوم طبیعی (شامل ۱۰۰۰ کیلوگرم UF6 و ۴۰۰ کیلوگرم UF4 و ۴۰۰ کیلوگرم UO2)، در سال ۱۹۹۱ و واردات فلز اورانیوم در سال ۱۹۹۳ برای استفاده در آزمایشهای غنی‌سازی؛

۲. عدم گزارش انتقال مواد وارداتی مذکور برای فرآوری بیشتر و فعالیتهای مربوط به فرآوری بعدی و مصرف مواد وارداتی و تولیدی مذکور (شامل تولید UF6، UF4، UO3، UO2 و AUC با استفاده از مواد وارداتی UO2 تهی شده و U3O8 طبیعی و تهی شده آن) و همچنین استفاده از UF6 وارداتی برای تست سانتریفیوژها در محل شرکت کالاهای الکتریک و تولید UO2 طبیعی و تهی شده در مرکز تکنولوژی هسته‌ای اصفهان و فرآوریهای بعدی آن در مرکز تحقیقات اتمی تهران؛

۳. عدم ارائه اطلاعات طراحی و عدم اعلام مراکز نگهداری مواد و فعالیتهای غنی‌سازی و انباشت مواد زائد از جمله: پایلوت غنی‌سازی شرکت کالای تهران، جایگاه غنی‌سازی لیزر و آزمایشگاه جابر بن حیان در مرکز تحقیقات هسته‌ای تهران و پایلوت لشگرآباد، مرکز تحقیقات هسته‌ای اصفهان و مکانهای دیگری برای انباشت زباله در قم و اصفهان و انارک.<sup>۱</sup>

در اینکه عدم اعلام برخی موارد به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نوعی بی‌احتیاطی و کوتاهی برخی مقامات مسئول می‌باشد، تردیدی نیست. اما در تمام موارد کارشناسان و شخص دبیرکل آژانس به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ‌گونه عمل انحرافی در فعالیتهای هسته‌ای ایران به سمت تولید سلاح اتمی مشاهده نشده است.<sup>۲</sup> با این حال مقامات آژانس، ایران را به ۱۸ تا ۲۰ سال مخفی‌کاری متهم

۱. موارد ذکر شده شامل مهمترین تخلفات ذکر شده در گزارشهای دبیرکل آژانس است. جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به گزارشهای ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ (GOV/2003/75) و ۱۵ نوامبر ۲۰۰۴ (GOV/2004/83) و ۲ سپتامبر ۲۰۰۵ (GOV/2005/67).

۲. این مطلب در اکثر گزارشهای دبیرکل تأیید شده است. رجوع کنید: بند ۱۱۲ گزارش ۱۵ نوامبر ۲۰۰۴ (GOV/2004/83).

All the declared nuclear material in Iran has been accounted for, and therefore such is not diverted to prohibited activities.

می‌کنند ولی به این نکته توجه ندارند که بسیاری از موارد نیازی به اعلام نداشته و عدم اعلام برخی موارد جزئی نیز اگرچه نوعی بی‌توجهی بوده ولی اگر بنا بود انحرافی صورت بگیرد در این ۱۸ تا ۲۰ سال صورت می‌گرفت. ضمن اینکه با اعلام تمام موارد و شمول نظام پادمان نسبت به آنها، هرگونه احتمال انحراف را از بین برده است و موارد جزئی قصور با گامهای اعتمادساز و اصلاحی ایران جبران شده است. با آن همه همکاری اعتمادساز از سوی ایران که به کرات توسط شخص دبیرکل مورد تأیید قرار گرفته<sup>۱</sup> و با توجه به وجود موارد مشابه در دیگر کشورها<sup>۲</sup> و نحوه عملکرد آژانس با آن کشورها، مغایرتهای ذکر شده در گزارش دبیرکل، ناچیز و طرح مکرر آن به عنوان قصور ایران، مبالغه‌آمیز است.

آنچه از نظر حقوقی قابل ذکر است، اینکه اولاً، طبق تفسیر ایران از بند C ماده ۳۴ و بند (a) ماده ۹۵ موافقتنامه پادمان، ایران برای واردات مواد طبیعی ذکر شده در گزارش دبیرکل نیازی به گزارش آن به آژانس نبوده است. زیرا طبق بند (c) ماده ۳۴ و بند (a) ماده ۹۵ موافقتنامه پادمان واردات بیش از یک کیلوگرم مواد هسته‌ای با خلوص مؤثر<sup>۳</sup> و مورد نیاز برای سوخت هسته‌ای باید به آژانس اعلام می‌شد و حسب ادعای ایران، مواد وارداتی مذکور از چنین خلوصی برخوردار نبوده‌اند.

بند اول ماده ۲۰ اساسنامه آژانس در مورد تعریف ماده شکافت‌پذیر این ادعای ایران را تقویت می‌کند. در این ماده به‌صراحت آمده است که اصطلاح ماده شکافت‌پذیر، شامل مواد اولیه نیست.<sup>۴</sup> در بند ۳۳ گزارش ۶ ژوئن ۲۰۰۳

۱. رجوع کنید: بند ۱۰۷ گزارش ۱۵ نوامبر ۲۰۰۴ (GOV/2004/83):

Since that time, good Progress has been made in Iran's Correction of those breaches and in the Agency's ability to confirm certain aspects of Iran's current declarations, which will be followed up as a routine safeguards implementation matter.

۲. به نقل از دکتر محمدباقر غفرانی، همانجا - برای اطلاعات بیشتر همچنین مراجعه کنید به گزارشات سالانه آژانس در سایت:

<http://www.iaea.org/Publications/Reports/index.html>  
3. Effective

۴. در متن انگلیس آخر بند ۱ ماده ۲۰ اساسنامه آمده است:

... but the term "Special Fissionable material" does not include Source material.

(GOV/2003/40) تأیید شده است که از حدود ۱۸۰۰ کیلوگرم مواد وارداتی فقط به میزان ۱۳۰ گرم اورانیوم مؤثر به دست آمده است.<sup>۱</sup> ثانیاً، اگرچه از سال ۱۹۹۲ آیین‌نامه اجرایی موافقتنامه پادمان اصلاح شده و کشورهای که این تغییرات را پذیرفته‌اند، مکلف شده‌اند اطلاعات مربوط به تجهیزات و تأسیسات هسته‌ای خود را از ابتدا و از مراحل طراحی به آژانس اطلاع دهند، ولی دولت ایران تا تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۰۳ که این اصلاحات را نپذیرفته بود، چنین تکلیفی نداشت و در نتیجه عدم ارائه اطلاعات مربوطه از نظر حقوقی تخلف محسوب نمی‌شد.

در مجموع می‌توان گفت، اگرچه از نظر حقوقی آنچنان تخلفی صورت نگرفته است، ولی عدم اعلام به‌موقع این پروژه‌ها و عدم رعایت عرف و ظرافتهای شرایط بین‌المللی، سیاست دوراندیشانه‌ای نبوده است. اگر در کنار فعالیتهای علمی و فنی هسته‌ای ایران، جایگاهی برای کارشناسان حقوقی و سیاسی باز می‌شد و به‌موقع اطلاعات مورد نیاز در اختیار مقامات آژانس قرار می‌گرفت، هرگز چنین هزینه سنگینی بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل نمی‌شد.

### گزارشهای تحریک‌آمیز دبیر کل

علی‌رغم اینکه ایران با کمال میل و قبل از پیوستن به ترتیبات فرعی اصلاح شده<sup>۲</sup> در فوریه ۲۰۰۳، پرسشنامه اطلاعات طراحی (DIQ) مربوط به تأسیسات تبدیل اورانیوم در اصفهان و دیگر فعالیتهای مربوط به چرخه سوخت هسته‌ای را ارائه داد و از هیچ‌گونه همکاری با بازرسان آژانس دریغ نورزید، ولی نحوه گزارش دبیر کل در مجموع مبتنی بر نگاهی اتهامی و تحریک‌آمیز است. به‌گونه‌ای که خواننده را به شک و تردید نسبت به فعالیتهای هسته‌ای ایران وامی‌دارد. اگر مجموع فعالیتهای ایران بر فرض تخلف از برخی تعهدات یک‌جا در نظر گرفته شود، شامل

۱. در متن بند ۳۳ گزارش مورخ ۶ ژوئن ۲۰۰۳ چنین آمده است:

Although the quantities of nuclear material involved have not been large, [The total amount of material, approximately 1.8 tonnes, is 0.13 effective kilograms of uranium].

2. Subsidiary Arrangement



سلسله‌ای از فعالیتهای در ارتباط با مقدار اندکی مواد وارداتی است که در حد انجام برخی پروژه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی مورد استفاده قرار گرفته است. اما دبیر کل آژانس با تجزیه این سلسله اقدامات، هر یک را به عنوان تخلفی مستقل و در بند جداگانه‌ای فهرست می‌نماید. به عنوان مثال واردات مواد، انتقال مواد، نگهداری، فرآوری و تبدیلات و تغییرات آن و انتقال زباله حاصل از این فعالیتهای، هر کدام به عنوان یک تخلف مستقل فهرست شده است. به علاوه این فهرست در هر گزارش بعدی، به جای اینکه صرفاً به موارد جدید و پیشرفتهای به دست آمده اشاره شود، تکرار شده است. این نحو گزارش دادن همراه با ادعای پرده‌برداری از فعالیتهای اعلام نشده و پنهان‌کاری در کنار جملاتی نظیر اینکه آژانس در موقعیتی نیست که تأیید کند ایران موارد اعلام نشده ندارد، حاصلی جز القای شبهه اتهامی نسبت به ایران نداشته است. تکیه بر فرضیات ذهنی برای اثبات قصد ایران در جهت پنهان‌کاری از مواردی است که در گزارشهای دبیر کل آمده است. به عنوان مثال تخریب و بازسازی ساختمان شرکت کالای الکتریک اقدامی در جهت پنهان‌کاری و گامی برای سرپوش گذاشتن فعالیتهای غیرمجاز تلقی می‌شود.<sup>۱</sup>

#### عملکرد شورای حکام

شورای حکام از ۳۵ کشور عضو تشکیل شده است. انتخاب اعضای شورای حکام بر پایه تبعیض بنیان گذاری شده است؛ به نحوی که کشورهای غربی و صاحب تکنولوژی هسته‌ای همیشه از اکثریت لازم و قدرت تصمیم‌گیری برخوردارند. به عبارت دیگر، همان کشورهایی که کمترین تعهد را در معاهده ان.پی.تی پذیرفته‌اند، بیشترین نقش را در شورای حکام دارند. مطابق ماده ۶ اساسنامه آژانس، ۱۰ عضو شورا باید حتماً از بین کشورهای پیشرفته و صاحب

۱. رجوع کنید: بند ۱۱۲ گزارش ۱۵ نوامبر ۲۰۰۴ (GOV/2004/83):

The Agency is, however, not yet in a position to conclude that there are no undeclared nuclear material or activities in Iran.

۲. رجوع کنید: بند ۲۷ گزارش ۱۵ نوامبر ۲۰۰۴ (GOV/2004/83).

تکنولوژی هسته‌ای و ۷ عضو دیگر از بین کشورهای اروپایی انتخاب شوند. در این بین، برای خاورمیانه و آسیای جنوبی فقط ۲ نماینده در نظر گرفته شده است. بنابراین، انتظار برخوردی حقوقی و عادلانه از این رکن، انتظاری آرمانی است. مطالعه قطعنامه‌های صادر شده از شورای حکام خود گویای این واقعیت است.

### ادبیات اتهامی و تکیه بر مفاهیم انتزاعی

ادبیات به کار رفته در قطعنامه‌های شورای حکام اتهامی است نه انتقادی. در بند الف قطعنامه ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳ ایران صراحتاً به قصور در اعلام مواد، تأسیسات و فعالیتهای هسته‌ای متهم می‌شود.<sup>۱</sup> همین موضع در قطعنامه‌های بعدی تکرار شده است. در قطعنامه شماره GOV/2003/81 تاریخ ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ و همچنین در قطعنامه GOV/2006/14 تاریخ ۴ فوریه ۲۰۰۶ با از این فراتر گذاشته شده و ایران به قصور و نقض<sup>۲</sup> تعهد متهم شده است. اگر بپذیریم که کوتاهی ایران موجب بدگمانی جامعه بین‌المللی شده باشد و بر این اساس از ایران خواسته شده است تا گامهای اعتمادساز بردارد، ولی لحن قطعنامه‌ها در راستای سیاست شفاف‌سازی و اعتمادسازی نیست. شورای حکام با به کار بردن عباراتی مثل پنهان‌کاری<sup>۳</sup> (concealment) در مدت زمان طولانی و قصور و نقض تعهد، ادبیات انتقادی را کنار گذاشته و از ادبیات اتهامی استفاده کرده است. در قطعنامه شماره (GOV/2006/14) مورخ ۱۴ فوریه ۲۰۰۶ به جای اینکه برای اثبات انحراف ایران از فعالیت صلح‌آمیز به دلیلی استناد شود، ایران به استناد فقدان دلیل برای اثبات صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای متهم شناخته شده است.<sup>۴</sup> نادرستی این شیوه

۱. رجوع کنید: قطعنامه شماره: GOV/2003/69.

### 2. failures and breaches

۳. رجوع کنید: بند e قطعنامه شماره GOV/2005/77 و بند h قطعنامه شماره GOV/2003/81 و بند e قطعنامه شماره GOV/2004/90 و بند g قطعنامه شماره GOV/2006/14.

۴. متن بند g قطعنامه شماره GOV/2006/14 مورخ ۴ فوریه ۲۰۰۶ چنین است:

(g) Recalling Iran's many failures and breaches of its obligations to comply with its NPT Safeguards Agreement and the absence of confidence that Iran's nuclear

زمانی بهتر درک می‌شود که در کنار این اتهامات، به گفته‌های دبیرکل توجه داشته باشیم که بارها رسماً اعلام کرده است، هیچ‌گونه انحرافی در برنامه‌های هسته‌ای ایران به دست نیامده است. آقای البرادعی در گزارش ۲۸ آوریل ۲۰۰۶ ضمن تفکیک اقدامات اعتمادساز ایران از تعهدات پادمانی، به این نکته مهم پی برده و با مرزبندی جنبه‌های فنی - حقوقی از ملاحظات سیاسی، اشاره می‌کند که وظیفه آژانس بررسی گذشته و حال برنامه هسته‌ای ایران است و آژانس نباید در مورد نیت احتمالی ایران که در آینده چه منظوری را دنبال می‌کند به قضاوت بنشیند.<sup>۱</sup>

به علاوه، برای توجیه افکار عمومی و هدایت جریان موضوع به سمت و سوی خاصی، با سوار شدن بر موج اتهام پنهان‌کاری ایران، بر مفاهیمی انتزاعی مثل دادن تضمین عینی، شفاف‌سازی، اعتمادسازی، همکاری کامل و عبارات مشابه، بدون اینکه حد و مرز این مفاهیم مشخص باشد، تکیه می‌شود. تأکید دائمی بر این مفاهیم انتزاعی در واقع منجر به ابهام در سرنوشت پرونده و روشن نبودن افق نهایی آن می‌باشد.

باوجود اینکه طبق اظهار مقامات ایران برخی موارد آلودگی‌ها به مراد هسته‌ای منشأ خارجی داشته است، قبل از روشن شدن این موضوع و اثبات خارجی بودن

---

programme is exclusively for peaceful purposes resulting from the history of concealment of Iran's nuclear activities, the nature of those activities and other issues arising from the Agency's verification of declarations made by Iran since September 2002,

۱. متن بند ۳۶ قطعنامه شماره GOV/2006/2 دبیرکل آژانس چنین است:

While the results of Agency Safeguards activities may influence the nature and scope of the confidence building measures that the Board requests Iran to take, it is important to note that safeguards obligations and confidence building measures are different, distinct and not interchangeable. The implementation of confidence building measures is no substitute for the full implementation at all times of safeguards obligations. In this context, it is also important to note that the Agency's safeguards judgements and conclusions in the case of Iran, as in all other cases, are based on verifiable information available to the Agency, and are therefore, on necessity, limited to past and present nuclear activities. The Agency cannot make a judgement about, or reach a conclusion on, future compliance or intentions.

منشأ آلودگی، شورای حکام این اطلاعات ناقص و ثابت نشده را در قطعنامه منعکس کرده و بر رنگ و لعاب اتهام ایران و شبهه پنهان‌کاری در فعالیتهای هسته‌ای افزوده است.<sup>۱</sup> در حالی که خارجی بودن منشأ آلودگی در گزارشهای بعدی آژانس تأیید شد.<sup>۲</sup>

#### الزام به تعلیق دائمی و کامل تمام فعالیتهای غنی‌سازی

از دیگر رفتارهای غیرحقوقی آژانس در مواجهه با فعالیتهای هسته‌ای ایران، صدور قطعنامه مبنی بر الزام ایران به تعلیق پایدار و دائمی فعالیتهای غنی‌سازی اورانیوم است. در این زمینه، آژانس ابتدا با رویکردی ملایمتر از ایران می‌خواهد که به عنوان اقدامی اعتمادساز (و نه تعهدی حقوقی) فعالیتهای غنی‌سازی را تعلیق نماید.<sup>۳</sup> ایران هم برای به دست آوردن اعتماد بین‌المللی و اثبات حسن نیت خود، تا مدت مدیدی فعالیتهای غنی‌سازی را معلق نمود. اما با مرور زمان و روشن شدن برخورد سیاسی با موضوع و عدم پایبندی کشورهای طرف مذاکره (سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان) به وعده‌های داده شده، ایران بار دیگر غنی‌سازی را از سر گرفت. تصمیم ایران پی‌گیری غنی‌سازی، موجب اتخاذ تدبیر تند و غیرحقوقی از سوی آژانس شد و در قطعنامه GOV/2005/77 تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ صراحتاً و رسماً از ایران خواسته شد تا به‌طور کامل و دائمی<sup>۴</sup>، تمام فعالیتهای غنی‌سازی را متوقف کند.<sup>۵</sup> در حالی که نه تنها در قطعنامه‌های

۱. رجوع کنید: بند h قطعنامه شماره GOV/2003/69 تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳.

۲. رجوع کنید: بند ۸ قطعنامه شماره GOV/2006/2 تاریخ ۲۸ آوریل ۲۰۰۶.

۳. در بند ۳ اولین قطعنامه آژانس به شماره GOV/2003/69 و در پاراگراف پنجم بند a قطعنامه GOV/2003/81 از ایران خواسته شده است که تمام فعالیتهای غنی‌سازی را معلق نماید. ولی در عین حال در بندهای n و o قطعنامه اخیرالذکر ضمن شناختن حق همه کشورها به فعالیتهای غنی‌سازی، تعلیق غنی‌سازی از سوی ایران اقدامی داوطلبانه و اعتمادساز توصیف شده است.

4. full and sustained

۵. رجوع کنید: بند ۴(ii) قطعنامه شماره GOV/2005/77 تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵:

(ii) To re-establish full and sustained suspension of all enrichment-related activity,

قبلی آژانس، بلکه به استناد مواد ۲ و ۳ اساسنامه آژانس و مواد ۳ و ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی و برخورداری از دانش هسته‌ای حق همه کشورها است.

در بند ۱ ماده ۴ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تصریح شده است که هیچ‌یک از مقررات این پیمان به نحوی تفسیر نخواهد شد که به حقوق غیرقابل تفویض دولتهای طرف پیمان در راه توسعه تحقیقات و تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای در مقاصد صلح‌جویانه لطمه وارد سازد. در بند ۲ ماده ۴ نیز کلیه دول طرف پیمان متعهد شده‌اند، تجهیزات و اطلاعات علمی و تکنولوژیک را به منظور مصارف صلح‌جویانه مبادله نمایند، به علاوه طرف‌های پیمان که قادر باشند، باید در جهت توسعه بیشتر استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌جویانه خصوصاً در سرزمینهای دول طرف پیمان که فاقد سلاح‌های هسته‌ای هستند، تشریک مساعی نمایند.

#### درخواست تجدیدنظر در ساخت رآکتور تحقیقاتی با آب سنگین

در حالی که کمک به کشورهای عضو برای دستیابی به دانش هسته‌ای و انتقال تکنولوژی از سوی کشورهای برخوردار به کشورهای غیربرخوردار، از مأموریت‌های اصلی آژانس و در زمره وظیفه ارتقایی این نهاد بین‌المللی است، ولی در قطعنامه ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ از ایران خواسته شده است در ساخت رآکتور تحقیقاتی با آب سنگین تجدیدنظر کند.<sup>۱</sup> با وجود اینکه فعالیت غنی‌سازی و ساخت رآکتور تحقیقاتی آب سنگین تحت نظارت آژانس صورت می‌گیرد، تقاضای تعلیق غنی‌سازی و انصراف از ساخت رآکتور تحقیقاتی هیچ تأثیری در اعتمادسازی نداشته و اقدامی غیرعقلایی تلقی می‌شود. بنابراین، عملکرد شورای حکام در موارد مذکور، ناشی از رفتاری فنی و حقوقی نیست، بلکه انعکاسی از خواسته

۱. رجوع کنید بند (ii) ۴ قطعنامه شماره GOV/2005/77.

(iii) To reconsider the construction of a research moderated by heavy water,

چند کشوری است که خواهان رشد و توسعه علمی و فنی ایران نیستند.

### الزام ایران به امضا و تصویب پروتکل الحاقی

غیرحقوقی‌ترین بخش از عملکرد آژانس که در قطعنامه‌های صادره علیه ایران منعکس شده، الزام ایران به امضا و تصویب پروتکل الحاقی است. در حالی که اصل "رضایت کشورها" به عنوان مبنای پذیرش تعهدات بین‌المللی و ضرورت تصویب هرگونه توافق بین‌المللی از سوی نهادهای قانونگذاری داخلی طبق قانون اساسی کشورها پایه دموکراسی تلقی می‌شود؛ شورای حکام آژانس در قطعنامه‌هایی که علی‌الاصول لازم‌الاجراست، رسماً از ایران خواسته است فوراً پروتکل الحاقی را امضا نموده و به تصویب مجلس برساند.<sup>۱</sup> در بند ۶ قطعنامه شماره GOV/2003/69 با عبارت Request رسماً و الزاماً از ایران درخواست امضا و تصویب پروتکل الحاقی شده است. عبارت call on که در برخی قطعنامه‌ها آمده بیشتر به مفهوم دعوت به انجام کاری است که جنبه توصیه‌ای و تشویقی دارد. اما کلمه Request، صرف دعوت اختیاری و توصیه‌ای نیست، بلکه نوعی الزام حقوقی در آن مستتر است. به‌کاربردن این کلمه همراه با عبارتهای "فوری" و "بی‌قید و شرط"<sup>۲</sup> در قطعنامه‌های حقوقی و الزام‌آور، به‌روشنی بر سیاسی بودن عملکرد آژانس دلالت دارد؛ زیرا از یک طرف حق مسلم مراجع قانونگذاری هر کشوری است که یک توافق بین‌المللی را تصویب کنند یا نکنند؛ از سوی دیگر عدم تصویب پروتکل الحاقی، آن‌گونه که در قطعنامه‌های بعدی آمده است، به

۱. در بند ۶ قطعنامه شماره GOV/2003/69 آمده است:

Requests Iran to work with the Secretariat to promptly and unconditionally sign, ratify and fully implement the additional protocol, and as a confidence-building measure, henceforth to act in accordance with the additional protocol;

همچنین رجوع کنید: قطعنامه‌های شماره GOV/2004/49، GOV/2004/79، GOV/2004/90، GOV/2005/77؛

GOV/2006/14

منزله کوتاهی و بی‌توجهی ایران به خواست بین‌المللی تلقی شده است.<sup>۱</sup> سیاسی بودن این رفتار وقتی آشکارتر خواهد شد که کشورهایی که نقش اصلی را در پرونده ایران بازی می‌کنند، از جمله آمریکا، روسیه، فرانسه و انگلیس، تا آن زمان، پروتکل الحاقی را امضا یا تصویب نکرده بودند.<sup>۲</sup> با این حال، ایران به منظور اثبات حسن نیت خود و جلب اعتماد بین‌المللی، در سال ۲۰۰۳ معاهده الحاقی را امضا نمود.

### الزام به اجرای پروتکل الحاقی قبل از تصویب

اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی از سوی ایران قبل از تصویب آن در مجلس شورای اسلامی، اقدامی اعتمادساز و حاکی از شفافیت هسته‌ای ایران می‌باشد. درخواست شورای حکام از ایران برای اجرای داوطلبانه پروتکل هم مسئله‌ای عادی و در راستای اعتمادسازی است. اما درخواست اجرای پروتکل قبل از تصویب آن به عنوان تعهدی الزام‌آور، رفتاری قانونی و موافق با معیارهای حقوقی تلقی نمی‌شود. در قطعنامه‌های متعدد از ایران خواسته شده است که قبل از تصویب پروتکل الحاقی، در چارچوب آن با آژانس و بازرسان مربوط همکاری نماید.<sup>۳</sup> ایران نیز قبل از تصویب پروتکل، داوطلبانه آن را اجرا نمود. اما رفتار آژانس نشان داد که اجرای پروتکل نه اقدامی داوطلبانه در راستای

۱. همانجا

۲. طبق آخرین آمار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (تا ژوئن ۲۰۰۵)، از ۱۳۵ کشور عضو آژانس، ۸۰ کشور پروتکل را امضا نموده و ۳۵ کشور با تصویب نهایی در مجالس قانونگذاری، رسماً آن را پذیرفته‌اند. پنج کشور دارنده سلاح هسته‌ای (آمریکا، روسیه، فرانسه، انگلیس و چین) جزء امضاکنندگان پروتکل الحاقی هستند ولی از میان آنها تنها چین پروتکل را تصویب نهایی نموده است. آمریکا پروتکل را برای تصویب تسلیم نکرده است و ۱۵ کشور عضو جامعه اروپا، که مراحل اولیه امضای پروتکل را طی نموده‌اند، تصمیم دارند به صورت جمعی و از طریق آژانس اروپایی انرژی اتمی، به پروتکل بپیوندند (در پروتکل جداگانه برای فرانسه و انگلستان، به عنوان کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و یک پروتکل برای بقیه کشورهای عضو جامعه اروپا، به امضا خواهد رسید). کشورهای کانادا، ژاپن، استرالیا، ترکیه و آفریقای جنوبی، از جمله کشورهای فاقد سلاح رلی دارای فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز هستند که پروتکل را امضا و تصویب کرده‌اند.

۳. رجوع کنید به قطعنامه‌های مذکور در پاورقی شماره ۱ در صفحه قبل.

اعتمادسازی، بلکه به عنوان تعهدی حقوقی تلقی شده، به نحوی که، در گزارشهای دبیر کل و قطعنامه‌های شورای حکام، برگشت به وضعیت قبلی موجب تشدید اتهام شده است.<sup>۱</sup> مقایسه لحن قطعنامه ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ نسبت به قطعنامه‌های قبلی گویای این مسئله است که تصمیم تند و شدیدالحن آژانس در پی لغو تعلیق غنی‌سازی و تعلیق اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی نه به خاطر کشف وضعیت جدید، بلکه صرفاً به خاطر تصمیم ایران اتخاذ شده است. زیرا در فاصله قطعنامه‌های قبلی تا ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ هیچ اتفاق جدیدی حادث نشده بود که مستلزم تصمیم شدیدالحن و تهدیدآمیز باشد.

#### ارجاع گزارش به شورای امنیت

شورای امنیت ماهیتاً رکنی سیاسی و اجرایی است که مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد. ارجاع پرونده هر کشوری به شورای امنیت که فعالیتهای آن تهدیدی بر صلح و امنیت بین‌المللی شناخته شود، موضوع بحث‌انگیزی نخواهد بود. به موجب بند "پ" ماده ۱۲ اساسنامه آژانس، شورای حکام می‌تواند در صورت احراز تخلف هر یک از کشورهای عضو، موضوع را به مجمع عمومی سازمان ملل و اعضای شورای امنیت گزارش نماید. اما ارسال گزارشهای فعالیتهای هسته‌ای ایران به شورای امنیت، در حالی که از یک سو نه تنها در گزارشهای رسمی دبیرکل آژانس عدم کشف هرگونه انحراف در جهت کاربردهای نظامی، بلکه بر طرف شدن برخی ابهامات نیز تأیید شده بود؛ و از طرف دیگر در فاصله بین صدور دو قطعنامه ۱۱ اوت ۲۰۰۵ تا ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ هیچ اتفاق فنی و حقوقی جدیدی نیافتاده بود که از نظر حقوقی نیاز به تغییر لحن قطعنامه جدید باشد؛ به هیچ‌وجه چنین رفتاری قانع‌کننده و توجیه‌پذیر نیست. همان‌طور که گفته شد، شورای امنیت موضوعات راجع به صلح و امنیت بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهد. تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی ماهیتاً جنبه

۱. رجوع کنید: بند ۱ قطعنامه شماره GOV/2005/77.



ایجابی دارد و نمی‌توان به صرف تکیه بر ادعای عدم اطمینان از صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای کشوری، آن را تهدیدی بر صلح بین‌المللی دانست.

مطابق ماده ۱۲ اساسنامه آژانس، در مواردی که اقدامات اصلاحی کشوری که متهم به انحراف از مقاصد صلح‌آمیز هسته‌ای است ضروری باشد و کشور مزبور اقدامات اصلاحی را به عمل نیاورد، شورای حکام می‌تواند تصمیمات زیر را اتخاذ کند:

۱. کمک‌های آژانس یا کمک‌های کشورهای دیگر را تقلیل دهد یا به حالت تعلیق درآورد.

۲. مواد و تجهیزاتاتی که در اختیار آن کشور گذاشته است اعاده نماید.

۳. طبق ماده ۱۹ حقوق و امتیازات ناشی از عضویت کشور خاطی را معلق سازد.

بنابراین، با فرض وجود ابهامات و عدم شفافیت در فعالیت‌های هسته‌ای ایران و یا قصور در اعلام برخی موضوعات، این مسئله ملازمه با تهدید صلح و امنیت بین‌المللی ندارد. اگر شورای حکام آژانس در چارچوب ضوابط پیش‌بینی شده در اساسنامه جداً در پی ابهام‌زدایی و رفع نگرانی باشد، از همکاری گسترده ایران و فرصت پیش آمده برای بازرسی‌های داوطلبانه و فراتر از مقررات لازم‌الاجرا بهترین استفاده را می‌کند و این پرونده مدت‌ها قبل بسته می‌شد. اما آنچه باعث مفتوح ماندن پرونده و طرح مطالب تکراری در گزارش‌های دبیرکل و قطعنامه‌های آژانس شده است، مسئله استفاده ابزاری از سازمان‌های بین‌المللی در جهت منافع ملی برخی کشورهای صاحب قدرت و نفوذ (به جای منافع مشترک که مبنای اصلی تشکیل این سازمانهاست) می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

بررسی روند پرونده هسته‌ای ایران در آژانس نشان می‌دهد که، رفتار و عملکرد آژانس (به‌ویژه شورای حکام) بیش از آنکه بر جنبه‌های حقوقی تکیه کند، از مؤلفه‌های سیاسی متأثر است. عملکرد چند سال گذشته، حاکی از آن است که وظیفه ارتقای آژانس در حال محو شدن است و صرفاً به عنوان نگهبان معاهده منع

گسترش سلاحهای هسته‌ای آن هم در مسیر خواست برخی کشورها عمل می‌کند. در ارتباط با کارکرد آژانس، عوامل متعددی موجب تأثیرپذیری سازمان از کارکردهای سیاسی و کم‌رنگ شدن مبانی حقوقی آن شده است، تأثیرپذیری آژانس از رژیم بین‌المللی منع گسترش تسلیحات هسته‌ای که مبتنی بر تبعیض و نابرابری قانون‌مند است، ضعف ساختاری و روند تصمیم‌گیری، اختلاف قرائتها و تکیه بر مفاهیم و پارامترهای انتزاعی و دخالت دادن نهادهای سیاسی در جریان پرونده‌های حقوقی از مهمترین عوامل دور شدن از روند حقوقی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌باشد. سازمانهای بین‌المللی اگرچه برای نائل شدن به منافع مشترک تشکیل می‌شوند، اما پس از تشکیل به لحاظ اینکه مکانیزم تصمیم‌گیری این سازمانها در چارچوب نمایندگی کشورهای عضو محقق می‌شود و نمایندگان کشورها با تبعیت از دولت متبوع خود حامل و مدافع منافع ملی کشورشان هستند، عملاً نمی‌توانند در راستای منافع مشترک گام بردارند. این مهمترین ایرادی است که تقریباً نسبت به تمام سازمانهای بین‌المللی دولتی وارد است.

#### منابع فارسی

- ۱- گزارشهای دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد اجرای موافقتنامه پادمانی توسط ایران.
- ۲- قطعنامه‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.
- ۳- کلیار، کلود آلبر (۱۳۶۸)؛ *نهادهای روابط بین‌الملل*، ترجمه و تحقیق از دکتر هدایت‌اله فلسفی، تهران، انتشارات نشر نو.
- ۴- مرادی، صفرعلی (۱۳۸۴)؛ *پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای و حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات سازمان بسیج اساتید.
- ۵- ساعد، نادر (۱۳۸۴)؛ *حقوق بین‌الملل و نظام عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای*، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی.